گزارش

خصولتی‌سازی ۱۳ هزار مگاوات نیروگاه

لیلا مرگن

● خصوصی‌سازی در صنعت برق، آن‌طور که باید انجام نشده و بخشی از نیروگاه‌های کشور در دولت گذشته در قالب رد دیون در اختیار برخی نهادها قرار گرفته است. این شکل از خصولتی‌سازی، مدیریت غیرتخصصی را به بخش برق وارد کرده و صاحب‌نظران بر این باورند که قسمتی از مشکلات صنعت برق هم با همین خصولتی‌سازی‌های غیرکارشناسی ایجاد شده است؛ زیرا نیروگاه‌ها به دیگر نهادها واگذار شده و بدهی‌های آنها در دل وزارت نیرو باقی مانده و در نتیجه این وزارتخانه به ابربدهکار دولت تبدیل شده است. آن‌طور که محسن طرزطلب، مدیرعامل شرکت تولید نیروی برق حرارتی اعلام کرد ۱۳ هزار مگاوات از نیروگاه‌های کشور در دولت گذشته خصولتی‌سازی شده‌اند.

بنگاه‌داری به شکل غیرتخصصی یکی از مهم‌ترین معضلات این روزهای اقتصاد ایران است. مجموعه‌هایی که باید کاملا تخصصی مدیریت شوند، در اختیار ساختارهایی قرار می‌گیرند که با اصول اولیه مدیریت این مجموعه‌ها آشنا نیستند و حاصل این رفتار، ایجاد بی‌نظمی در امور اجرائی کشور است. بخش برق هم از این قاعده کلی مستثنا نیست. درحالی‌که کشور در دولت نهم و دهم بالاترین درآمدهای نفتی را تجربه می‌کرد، وزارت نیرو به یکی از مجموعه‌های بدهکار دولت تبدیل شد تا جایی که مسئولان در آن زمان نیروگاه‌های برق را برای رد دیون به نهادهای غیرتخصصی واگذار کردند. حاصل مدیریت آن دوره، این شد که مپنا به‌عنوان یک سازنده نیروگاه، با دریافت چند نیروگاه به‌عنوان رد دیون، به تولیدکننده برق هم تبدیل شد؛ رویه‌ای که شاید مدیران مپنا نیز آن را قبول نداشتند و با استانداردهای مدیریتی این مجموعه همخوانی نداشت، اما سیاست‌های دولت آنها را به این سمت سوق داد. آن‌طور که محسن طرزطلب، مدیرعامل شرکت تولید نیروی برق حرارتی، در نشستی خبری در حاشیه هیجدهمین نمایشگاه بین‌المللی برق اعلام کرد، ۱۳ هزار مگاوات نیروگاه در دولت‌های قبلی بابت بدهی قوه مجریه به سایر بخش‌ها، خصولتی‌سازی شده است. به گفته او، این نیروگاه‌ها به مجموعه‌هایی مثل بنیاد شهید، وزارت دفاع، ستاد اجرائی فرمان امام(ره) و... واگذار شده است.

طرزطلب درباره بدهی‌های شرکت برق حرارتی به تولیدکنندگان عنوان کرد: ۱۵ هزار میلیارد تومان بدهی به بانک‌ها و تولیدکنندگان برق داشتیم. درحال‌حاضر، این رقم به هشت هزار میلیارد تومان کاهش یافته است. دوهزارو ۹۰۰ میلیارد تومان از این بدهی‌ها مربوط به نیروگاهای واگذارشده است که بدهی آن در دل وزارتخانه باقی مانده است.

او اضافه کرد: شش هزار میلیارد تومان از بدهی‌های شرکت برق حرارتی را قبلا تهاتر کرده‌ایم. تبصره پنج قانون بودجه سال ۹۷، اختیارات خوبی در اختیار ما قرار می‌دهد که بدهی خود به بانک‌ها و بخش خصوصی را تا پایان سال به‌شدت کاهش دهیم. مدیرعامل شرکت تولید نیروی برق حرارتی میزان ظرفیت نصب‌شده نیروگاهی در کشور را ۸۱ هزار مگاوات اعلام کرد و گفت: در شش‌ماهه اول امسال، بیش ۱۸۵ میلیارد کیلووات ساعت برق در کشور تولید شد. سهم نیروگاه‌های حرارتی از برق تولیدی ۹۶.۲ درصد بود.

بر اساس پیش‌بینی او، میزان مصرف سال آینده برق در زمان اوج مصرف، به ۶۱ هزار مگاوات در سال می‌رسد که اگر نیروگاه‌های کشور آمادگی داشته باشند، میزان تولید برق به ۵۳ هزار مگاوات خواهد رسید. به این ترتیب، هشت هزار مگاوات کمبود عملی برق خواهیم داشت.

به گفته او، با فرض ثابت‌ماندن تولید برق در نیروگاه‌های برقابی (که به احتمال زیاد به دلیل بارش‌های مناسب محقق خواهد شد)، برای جبران هشت هزار مگاوات کسری برق سال آینده باید پنج‌هزارو ۲۲۳ مگاوات ظرفیت اسمی از نیروگاه‌های حرارتی و مابقی با مدیریت مصرف تأمین شود. به این منظور، با ۲۵ واحد نیروگاهی جدید و اجرای دو برنامه ارتقا و بهسازی نیروگاه‌های موجود، کسری برق کشور جبران خواهد شد.

طرزطلب همچنین از بهبود چشمگیر راندمان نیروگاه‌های کشور تا پایان سال خبر داد؛ زیرا تا پایان سال با تبدیل نیروگاه‌های گازی به سیکل ترکیبی، هزارو ۶۰۰ مگاوات به ظرفیت تولید کشور اضافه می‌شود و راندمان کل کشور نیم‌درصد ارتقا می‌یابد. همچنین دو میلیارد مترمکعب سوخت صرفه‌جویی می‌شود.

او افزود: از ۲۵ واحد جدید نیروگاهی که باید در کشور ساخته شود، ۸۰ درصد با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ۲۰ درصد از طریق بخش دولتی ساخته خواهد شد. برای تکمیل این پروژه‌ها، باید هفت هزار میلیارد تومان از محل فروش برق مشترکان، ۵۰۰ یورو منابع ارزی و منابع صادرات برق در اختیار ما قرار بگیرد. دولت منابع ارزی مورد نیاز شرکت برق حرارتی را در اختیار ما قرار داده است.

به گفته مدیرعامل برق حرارتی، صادرات برق این شرکت به کشورهای مختلف حدود چهارهزارو ۲۰۰ میلیارد تومان است که با توانیر قرارداد دارند تا این منابع صادراتی را بگیرد و در اختیار آنها قرار دهد.

«شرق» اصلاح اساسنامه تأمین‌اجتماعی را بررسی می‌کند

چالش صندوق تأمین

محمد مساعد: اصلاح اساسنامه تأمین اجتماعی و افزایش سهم کارگران و کارفرمایان در مدیریت و نظارت بر صندوق تأمین اجتماعی، یکی از وعده‌های محمد شریعتمداری، وزیر جدید تعاون، کار و رفاه اجتماعی بود. وعده‌ای که پس از روی‌کارآمدن دولت روحانی در سال ۹۲ همواره از سوی مدیران مختلف وزارت کار و تأمین اجتماعی داده شده و همچنان یکی از مطالبات جدی کارشناسان و فعالان کارگری و کارفرمایی است. در شرایطی که صندوق تأمین اجتماعی حاصل یک مشارکت سه‌جانبه از سوی دولت، کارفرمایان و کارگران کشور است، نبود توازن در این شراکت در دهه‌های گذشته که با اصلاح اساسنامه این صندوق در دولت احمدی‌نژاد به اوج خود رسید، نه‌تنها اعتماد عمومی نسبت به سلامت و عاقبت‌به‌خیری این صندوق بزرگ را خدشه‌دار کرده و به یکی از عوامل رشد بازار کار غیررسمی تبدیل شده، بلکه صندوق تأمین اجتماعی را به عنوان بزرگ‌ترین صندوق بازنشستگی کشور، در معرض خطر ورشکستگی قرار داده است. بااین‌حال اصلاح اساسنامه این صندوق و افزایش سهم نمایندگان رسمی کارگران و کارفرمایان در آن، به تنهایی باعث نجات این صندوق از خطرات پیش‌روی آن نخواهد شد.

تصمیمات غیرکارشناسی، عوارض بلندمدت

صندوق تأمین اجتماعی نیز مانند هر صندوق بیمه‌ای دیگری در سال‌های ابتدایی فعالیت خود با درآمدهای سرشار و هزینه‌های اندک روبه‌رو بود. متأسفانه به دلایل مختلف امکان دسترسی کمتری به اسناد آن سال‌ها وجود دارد اما از دل خاطرات و مصاحبه‌های گوناگون مدیران صندوق تأمین اجتماعی در آن سال‌ها می‌توان به روشنی دریافت که رویکرد دولت‌ها در قبال این صندوق در آن مقطع، استفاده از منابع صندوق به عنوان قلکی برای رفع نیازهای ضروری دولت بوده است. موارد متعدد بذل و بخشش منابع با روش‌های گوناگون در آن سال‌ها یکی از ریشه‌های بحران امروز صندوق تأمین اجتماعی است اما این به آن معنا نیست که در سال‌های اخیر رویکرد کلان دولت نسبت به این صندوق تغییر کرده باشد. اگرچه در دولت یازدهم و دوازدهم همانند دولت نهم و دهم شاهد تصویب قوانین غیرکارشناسی و بارکردن هزینه‌های سنگین بدون پیش‌بینی منابع به صندوق‌های بیمه‌ای نیستیم اما همچنان در این دولت نیز برخوردهای غیرکارشناسی برای حل فوری مشکلات غیرمرتبط با صندوق‌ها رخ می‌دهد. برای نمونه مدیر سابق یکی از صندوق‌های بازنشستگی تازه‌تأسیس کشور در گفت‌وگو با نگارنده یکی از دلایل برکناری خود را مقاومت در برابر درخواست‌های غیرکارشناسی مقام ارشد وزارتی در سال‌های گذشته می‌داند. این مدیر سابق دراین‌باره می‌گوید: مقام موردنظر از من خواست سریعا یکی از دارایی‌های یکی از صندوق‌های ورشکسته کشور را خریداری کنیم تا با نقدینگی حاصل از آن مشکل پرداخت حقوق بازنشستگان آن صندوق در آن ماه حل شود. من در پاسخ به ضرردیده‌بودن آن شرکت اشاره کردم و گفتم نمی‌توانم منابع این صندوق که حق‌الناس است را برای خریدی هزینه کنم که می‌دانم به ضرر صندوق تحت مدیریت من است. این آغازی بر اختلافات من با آن مقام ارشد بود». این نمونه که احتمالا یکی از صدها نمونه مشابه در صندوق‌های بازنشستگی مختلف است نشان می‌دهد که چگونه تصمیمات غیرکارشناسی برای حل فوری مشکلات غیرمرتبط با صندوق‌ها، حتی بدون آنکه نفع شخصی یا قصد سوءاستفاده‌ای در میان باشد، از سوی برخی مدیران گرفته می‌شوند. تلاش برخی چهره‌های اقتصادی دولت برای واگذاری طرح‌های عمرانی غیرسودده به تأمین اجتماعی در ازای مطالبات این صندوق از دولت یا واگذاری شرکت‌های ضرردیده به جای این مطالبات در دولت‌های گذشته، نمونه‌های دیگری از تصمیمات کلانی هستند که از خارج از صندوق‌های بازنشستگی به آنها تحمیل شده و به تشدید بحران اقتصادی در این صندوق‌ها منجر شده‌اند. در تمامی این موارد نبود سه‌جانبه‌گرایی عاقلانه و واقعی و البته عدم شفافیت در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات، پاشنه‌آشیل صندوق تأمین اجتماعی و دیگر صندوق‌های بازنشستگی برای دفاع از منافع خود بوده‌اند. دولت‌های گوناگون در طول حیات تأمین اجتماعی به شرکای اجتماعی‌شان، یعنی کارگران و کارفرمایان به چشم موانعی برای اجرای تصمیمات خود نگاه کرده‌اند و به همین دلیل همواره از ایجاد یک سه‌جانبه‌گرایی متعادل در مدیریت و نظارت بر این صندوق طفره رفته‌اند. نتیجه چنین رویکری، عدم امکان مقابله با تصمیمات اشتباه و نبود علائم هشداردهنده درباره مسیرهای غلط بوده که باعث شده صندوق‌های بازنشستگی موجود در کشور، تنها در لبه پرتگاه ورشکستگی متوجه وجود بحران شوند. ایجاد سه‌جانبه‌گرایی واقعی در صندوق تأمین اجتماعی اما تنها با اصلاح اساسنامه آن و برابرکردن تعداد صندلی‌های تصمیم‌گیری شرکای اجتماعی محقق نمی‌شود.

تشکل‌های دستوری

عقیم‌ماندن و شکست پیش‌بینی‌پذیر تشکل‌های دولت‌ساخته در انجام وظایف دستوری، حقیقتی است که دیگر از دید دولتمردان صاحب خرد نیز پنهان نیست. در تحقیقی که سال ۹۶ از سوی معصومه شفیعی و با نظارت علمی رضا امیدی و مونا خورشیدی از طرف مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی وابسته به سازمان تأمین اجتماعی انجام شده است، مصاحبه‌هایی با برخی مقامات سابق و فعلی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انجام گرفته که نمونه‌های جالبی از عریانی حقیقت نزد مسئولان دولتی را نمایان می‌کند. اگرچه به خواسته برخی از این مسئولان، اسامی آنها تنها در ابتدای تحقیق ذکر شده و مشخص نیست هرکدام از نقل‌قول‌ها مربوط به کدام‌یک از آنهاست (که این بی‌میلی به افشای نام، حتی در سطح مدیران ارشد یک وزارتخانه، گفتنی‌های بسیار در دل خود دارد)؛ اما ذکر بعضی از آنها خالی از لطف نیست. یکی از این مدیران در پاسخ به محققان درباره امکان موفقیت تشکل‌های دولت‌ساخته می‌گوید: «دولت که نمی‌تواند مستقیما طرف‌حساب میلیون‌ها کارگر و کارفرما باشد؛ بلکه باید با نمایندگان آنها طرف شود. وقتی می‌گوییم سه‌جانبه‌گرایی، شرکای دولت تشکل‌های کارگری و کارفرمایی هستند؛ اما ما در ایران تشکل‌های کارگری و کارفرمایی به معنای درست کلمه نداریم. الان ممکن است آمار تغییر کرده باشد؛ ولی مسلما تغییر فاحشی نیست. چند سال پیش که این اداره تشکل‌های ما مطالعه‌ای کرده بود، حدود چهار درصد از کارگران ما تحت پوشش یا عضو یک تشکلی بودند؛ یعنی ۹۶ درصد کارگران ما عضو هیچ تشکلی نبوده و تحت پوشش هیچ تشکلی نیستند. خب الان کمی به تعداد تشکل‌ها اضافه کرده‌اند. فوقش شما فرض کنید ۱۰ درصد. خب یعنی ۹۰ درصد از کارگران ما تحت پوشش هیچ تشکلی نیستند. درباره کارفرماها هم وضع اگر از این بدتر نباشد، بهتر نیست و این خودش یک آسیب جدی است. تشکل‌ها هم عمدتا بی‌ریشه و وابسته به دولت هستند. دولت آنها را ایجاد می‌کند و شما هنوز که هنوز است، با مدیران بخش دولتی صحبت می‌کنید، می‌بینید از این ادبیات استفاده می‌کنند. حتی در عالم سیاست‌گذاری هم می‌گویند برنامه می‌ریزند. الان شما با مدیرکل تشکل‌های کارگری-کارفرمایی صحبت کنید، به شما می‌گوید در چهار سالی که اینجا مدیرکل هستم، چهار هزار تشکل دیگر ایجاد کردیم. این «ایجاد کردیم» در فضای بین‌المللی به‌ویژه تشکل‌ها به‌نوعی ناسزا و فحش است که دولت آمده و چنین چیزی ایجاد کرده. اصلا یکی از ایراداتی که سازمان بین‌المللی کار به ما می‌گیرد، این است که شما ایجاد می‌کنید. دولت حداکثر کاری که باید بکند، این است که مانعی نباشد برای ایجاد تشکل‌ها و فعالیت‌هایشان و توسعه آنها چون تشکل‌های کارگری و کارفرمایی جزئی از جامعه مدنی هستند». این توضیح دقیق و کارشناسی از سوی یک مقام دولتی نشان می‌دهد که بدنه خردمند دولت نیز امروز دیگر آگاه است که تشکل‌های دولت‌ساخته نه‌تنها نمی‌توانند نمایندگان خوبی برای جامعه هدف تشکل باشند؛ بلکه امکان سه‌جانبه‌گرایی خردمندانه را نیز سلب می‌کنند. به عبارت دیگر تشکل‌هایی که «از پایین شکل نمی‌گیرند»؛ بلکه «از بالا ایجاد می‌شوند»، به شرکای خود (در اینجا دولت) چیزی اضافه نمی‌کنند.

نمایندگانی که نماینده نیستند

دلایل فرهنگی، سیاسی، تاریخی و حقوقی متعددی برای شکل‌نگرفتن تشکل‌ها از دل جامعه وجود دارد؛ اما اگر بپذیریم که دولتمردان امروز متوجه خطای دولتمردان دیروز شده و قصد اصلاح رویه غلط پیشین را دارند، اصلاح هرچه زودتر موانع قانونی و نهادی ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و کارفرمایی یک ضرورت جدی است. نظارت‌های گوناگون و غیرضرور در کنار مواد و تبصره‌های متعدد قانونی ازجمله موانع مهم حقوقی بر سر راه تشکیل تشکل‌های صنفی و انتخاب نمایندگان واقعی آنها هستند که نگارنده در سال‌های اخیر درباره برخی از آنها گزارش‌هایی تهیه کرده است. این موانع در برخی از کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور مانند هپکوی اراک مانع برگزاری انتخابات صنفی (به دلیل خودداری کارگران از شرکت در انتخابات در اعتراض به ردصلاحیت برخی نمایندگان‌شان) و ایجاد تشکل صنفی شده است و در برخی دیگر، مانند شرکت نیشکر هفت‌تپه، عملا امکان گفت‌وگو و توافق بین طرف‌های درگیر کارگری و کارفرمایی در شرایط بحرانی را از بین برده است. از سوی دیگر نمایندگان انتخاب‌شده در چنین تشکل‌هایی نیز مقبولیت لازم برای پیگیری منافع و خواسته‌های کارگران یا کارفرمایان را ندارند. یکی از افراد رده‌بالای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در تحقیق اشاره‌شده دراین‌باره می‌گوید: «نحوه انتخاب نمایندگان بخش‌های کارگری و کارفرمایی متأسفانه سازوکار شفاف و درستی در کشور ما ندارد؛ بنابراین می‌شود گفت که این نماینده‌ها به‌درستی از منافع اعضای خودشان نمایندگی نمی‌کنند و گاهی به انحراف و انواع فسادها نیز کشیده می‌شوند». ناگفته پیداست چنین نمایندگانی نه‌تنها از سوی اعضای گروه اجتماعی خود حمایت نمی‌شوند؛ بلکه امکان اقناع آنها را نیز ندارند؛ به‌این‌ترتیب آنچه دولت ساخته، به ضددولت تبدیل می‌شود و در عمل نه‌تنها کمکی به حل مسائل نمی‌کند؛ بلکه خود به مشکلی تازه تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی می‌توان گفت اصلاح اساسنامه صندوق تأمین اجتماعی اگرچه ضرورتی جدی است؛ اما بدون شکل‌گیری یک شراکت واقعی میان شرکای واقعی کمکی به حل مشکلات تأمین اجتماعی و جلوگیری از ایجاد بحران‌های بیشتر در این صندوق بزرگ نمی‌کند.

هند همه پول نفت ایران را با روپیه پرداخت می‌کند

ایران و هند در حال نهایی‌کردن جزئیات مکانیسمی هستند که به دهلی‌نو اجازه می‌دهد تمام پول ایران را به ارز هندی پرداخت کند. به گزارش تسنیم به نقل از تایمز آو ایندیا، با اعطای معافیت ۱۸۰روزه از تحریم‌های نفتی ایران از سوی آمریکا به هند قبل از اجرائی‌شدن تحریم‌ها از روز دوشنبه، هند و ایران جزئیات مکانیسمی را نهایی می‌کنند که به دهلی‌نو اجازه می‌دهد تمام پول ایران را با ارز هندی در یک بانک در هند پرداخت کند. هند ترتیب پرداخت این پول را در حسابی در بانک یوسی‌او می‌دهد. این بانک دسترسی بین‌المللی ندارد، بنابراین در برابر تحریم‌ها آسیب‌پذیر نیست. قبلا هم این اتفاق افتاده بود؛ ولی درباره قبلی پرداخت‌های نفتی تقسیم می‌شدند، ۴۵ درصد به روپیه در بانک یوسی‌او پرداخت می‌شد و ۵۵ درصد به یورو. این بار ایران کل مبلغ را به روپیه دریافت می‌کند و انتظار می‌رود تهران از این پول برای واردات کالا از هند استفاده کند. این یعنی اگر بانک‌های ایرانی از سیستم پرداخت سوئیفت حذف شوند، هند همچنان می‌تواند پول واردات نفت را پرداخت کند. دور دوم تحریم‌ها علاوه بر بخش انرژی، کشتی‌رانی و کشتی‌سازی و بخش‌های مالی را هم هدف قرار داده است. برایان هوک، یک مقام ارشد آمریکایی، به روزنامه‌نگاران اطمینان داد کشورهایی که به واردات نفت ایران ادامه می‌دهند باید یک حساب تضمینی باز کنند: «حساب‌های تضمینی برای کشورهایی باز می‌شود که نیاز به ادامه واردات نفت ایران دارند. این حساب‌ها ارز ایران را قبول نمی‌کنند و اجازه نمی‌دهند ایران هیچ درآمدی از فروش نفت داشته باشد. هر زمانی که ایران نفت بفروشد این پول در حساب تضمینی در بانک کشور واردکننده ذخیره می‌شود و ایران باید آن را خرج کند».

خبر

نرخ بی‌کاری ۱۲/۲ درصد شد

● نرخ بی‌کاری افراد ۱۰ساله و بیشتر نشان می‌دهد که ۱۲.۲ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بی‌کار) در تابستان امسال بی‌کار بوده‌اند که این نرخ در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته مقداری افزایش یافته است. به گزارش ایسنا، نتایج طرح آمارگیری نیروی کار تابستان ۱۳۹۷ از سوی مرکز آمار منتشر شده که طبق آن، روند تغییرات نشان می‌دهد که شاخص نرخ بی‌کاری افراد ۱۰ساله و بیشتر در مقایسه با تابستان ۱۳۹۶ به میزان ۰.۷ درصد افزایش داشته و جمعیت بی‌کار کشور با ۲۳۷ هزار نفر افزایش به سه‌میلیون‌و ۳۲۶ هزار نفر رسیده است. در تابستان امسال به میزان ۴۰.۹ درصد جمعیت ۱۰ساله و بیشتر از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند؛ یعنی در گروه شاغلان یا بی‌کاران قرار گرفته‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی حاکی از آن است که این نرخ در مقایسه با فصل مشابه در سال قبل (تابستان ۱۳۹۶) ۰.۲ درصد افزایش داشته است. جمعیت شاغلان ۱۰ساله و بیشتر در این فصل ۲۳میلیون‌و ۹۵۶ هزار نفر بوده که در مقایسه با فصل مشابه سال قبل ۱۵۸ هزار نفر افزایش داشته است. بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در تابستان امسال بخش خدمات با ۴۹.۵ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۳۱.۶ درصد و کشاورزی با ۱۸.۹ درصد قرار دارند. نرخ بی‌کاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ساله حاکی از آن است که ۲۴.۹ درصد از فعالان این گروه سنی در تابستان ۱۳۹۷ بی‌کار بوده‌اند.

گوشت ۵۲ درصد گران شد

● در حالی مسئولان وعده کنترل نرخ اقلام خوراکی را داده‌اند که قیمت برخی از این محصولات در مهرماه در مقایسه با ماه قبل، با افزایش درخورتوجهی مواجه شده است. به گزارش مهر، تغییرات قیمتی ۲۴ قلم کالای خوراکی در مهرماه سال جاری، حکایت از افزایش بی‌رویه نرخ این کالاها دارد. بر پایه آمار رسمی، نرخ یک کیلوگرم گوشت گوسفندی ۵۸هزارو ۲۹۳ تومان بوده که در مقایسه با شهریورماه ۴.۳ درصد و در مقایسه با ماه مشابه سال قبل ۴۳.۲ درصد افزایش قیمت داشته است. هر کیلوگرم گوشت گاو یا گوساله نیز با رشد ۸.۵ درصدی در مقایسه با شهریورماه و ۵۲ درصدی در مقایسه با مهرماه سال قبل، با نرخ ۵۷هزارو ۸۳۲ تومان عرضه شده است.